



چگونه می توان یک شهر خوب ساخت؟

مروری بر اقدامات صورت گرفته توسط مدیران شهری برخی از شهرهای جهان در راستای تبدیل شهرهای خود به بهترین مکان مناسب برای زندگی و اشتغال که در این نوشته مورد توجه قرار گرفته است.

مروری بر اقدامات صورت گرفته توسط مدیران شهری برخی از شهرهای جهان در راستای تبدیل شهرهای خود به بهترین مکان مناسب برای زندگی و اشتغال که در این نوشته مورد توجه قرار گرفته است.

به گزارش نصر، بیش از نیمی از جمعیت جهان (۲.۶ میلیارد نفر) در شهرها زندگی می کنند. این نسبت بیشترین میزان را در طول تاریخ بشری به خود اختصاص داده است البته این رقم روبه فزونی می رود. تا سال ۲۰۳۰، ۶۰ درصد جمعیت جهان یعنی چیزی در حدود ۵ میلیارد نفر ساکن شهرها خواهد بود و منجر به سرعت گرفتن رشد اقتصادی در دنیا خواهد بود. با این تفاسیر، راههای توسعه شهری و نحوه مقابله با چنین شهرنشینی سریع از اهمیت ویژه ای برای شهروندان برخوردار است. شهرها منابع عظیم رشد اقتصاد جهانی و بهره وری به حساب می آیند. در عین حال، شهرها علت مصرف منابع و انتشار گازهای گلخانه ای نیز به حساب می آیند. در نتیجه، توسعه شهری برای سلامتی و رفاه تمامی ساکنین جهان مهم و ضروری تلقی می شود. در این بین، وظیفه مهم مدیریت شهرهای روبه رشد جهان در جهت حمایت از رشد اقتصادی و در کنار آن کاهش آلودگی و تامین منابع شهری است. برای مدیران شهری که شهرها را مدیریت می کنند، چالش ها پیچیده تر به نظر می رسند. آنها باید در خیلی از کشورهای در حال توسعه با این میزان بی سابقه از شهرنشینی روبرو شوند و آندسته از مدیران شهری در کشورهای توسعه یافته یعنی کشورهایی که چشم انداز رشد در آنها ضعیف تر است باید با زیرساخت های فرسوده و منابع مالی محدود دست به گریبان شوند.

در هر صورت هر دو گروه با هم رقابت می کنند تا رفاه ساکنین خود را فراهم آورند و البته همه آنها از میراث زیست محیطی که به امانت خواهند گذاشت آگاهند و سعی می کنند وظایف خود را به نحو شایسته در این زمینه انجام دهند و سعی می کنند با بکارگیری روشهای نو با منابع درآمدی موثر و پایدار اقتصاد محلی و مدیریت شهرهای خود را بهبود بخشند. کارایی یک شهر باید به نحوی مورد ارزیابی و سنجش قرار بگیرد تا همه نگرانی ها از قبیل قدرت اقتصادی، شرایط اجتماعی و محیط زیست را انعکاس دهد. مطالعات متعددی در رابطه با عملکرد شهرهای جهان در رابطه با این سه نگرانی باهم به بطور جداگانه صورت پذیرفته است و شهرها را بر این اساس رتبه بندی کرده اند.

در حالیکه چنین مطالعاتی می توانند این کمک را به ما بکنند تا عوامل موثر برای داشتن یک شهر خوب را درک کنیم ولی چنین فاکتور ها و مطالعات نمی توانند این نکته را به ما بگویند که شهرداران و مدیران شهری برای ساخت شهرهای خوب و ایده ال چه کارهایی باید دقیقاً انجام دهند. چه چیزی به پیشبرد عملکرد یک شهر کمک می کند. برای پی بردن به عملکرد یک شهر در کنار مطالعات و نتایج حاصله آن در نظر گرفتن مسیر تغییر نیز مهم است.

این نوشته موارد بررسی نشده را مورد تحقیق قرار می دهد و از طریق تجزیه و تحلیل، مطالعات موردی و مصاحبه ها با شهرداران کشورهای مختلف در پی فهمیدن آنچه که شهرداران و دیگر مدیران شهری انجام می دهند تا شهرهای خود را بهترین مکان زندگی و کار کردن برای شهروندان خود بکنند. یافته ها نشان می دهند که یک روش واحد تحقیق وجود ندارد بلکه این روشها پیشنهاد می کنند که رهبران موفق تعادلی بین این سه حوزه پیدا می کنند. آنها به رشد هوشمند دست پیدا می کنند که به معنای ایمن سازی بهترین فرصتهای رشد در کنار حفاظت از محیط زیست و تامین رفاه و آبادانی شهروندان خود می باشد. آنها بیشترین عملکرد با کمترین داشته ها را دارند. در واقع، در این نوشته قصد داریم با برخی از اقدامات مدیران شهری در جهت ایجاد موازنه بین سه موضوع قدرت اقتصادی، شرایط اجتماعی و محیط زیست آشنا شویم.

شهر ها می توانند با انجام موارد ذیل به مکانهای خوب زندگی و کار کردن تبدیل شوند.

دستیابی به رشد هوشمند

اتخاذ رویکرد استراتژیک

برنامه ریزی برای تغییر

تلفیق محیط زیستی

تاکید بر ایجاد فرصت برای همه

ارائه خدمات بیشتر با کمترین منابع مالی

ارزیابی و مدیریت هزینه ها با بیشترین دقت ممکن

پیدا کردن مشارکت ها

تامین مالی و جذب سرمایه گذاری

بکارگیری فن آوری
جلب حمایت برای ایجاد تغییر
ارزئه چشم انداز شخصی
تشکیل تیم با عملکرد بالا
ایجاد فرهنگ مسئولیت پذیری
مشورت با دیگر اعضا و اجماع
دستیابی به رشد هوشمند

تمامی مدیران شهری سعی می کنند اقتصاد محلی شهر های خود را ارتقا بخشند اما همانطور که مشخص است رشد اقتصادی بخودی خود منجر به بهبود کیفیت زندگی شهروندان نمی شود و اغلب به محیط زیست آسیب می رساند. در واقع، اکثر شهر ها مجبور هستند اقدامات اصلاحی و ترمیمی پر هزینه ای را پیش بگیرند تا مشکلات منتج از رشد را مرتفع کنند. بهتر است بدانیم هر رشدی خوب نیست بلکه این را در نظر بگیریم که رشد هوشمند چگونه است. رشد هوشمند به رهیافت راهبردی برای شناسایی بهترین فرصتهای رشد، برنامه ریزی در جهت برطرف کردن نیازهای شهری، تفکر محیط زیستی تلفیقی و تامین رفاه کل شهروندان بستگی دارد.

اتخاذ رهیافت راهبردی

در حالیکه تمامی مدیران شهری در پی یافتن روشهایی برای بهبود آبادانی و عمران شهرهای خود هستند، در این بین چیزی که بیش از همه برجسته است اتخاذ روش راهبردی است که در رسیدن به هدف خود باید دنبال کنند. به طور ساده، پیشنهاد بسته های تخفیف مالیاتی برای جلب سرمایه گذاران و مشارکت کنندگان جدید یا تصمیم گیری بدون بررسی کافی که آینده شهر در گرو آخرین صنایع نوپا، چه فن آوری پاک و چه تکنولوژی زیستی، است زیاد تاثیر گذار به نظر نمی رسد بلکه رویکردی دقیق و جامع برای شناسایی بهترین چشم انداز رشد شهر ضروری است.

البته این بدین معنی نیست که مدیران شهری باید فقط درگیر کارهای تجاری و کسب و کار باشند بلکه چشم انداز مدیران برای شهر باید با ارزیابی دقیق از اینکه نیازهای شهر در کجا قرار دارند باشد تا بتوانند از پتانسیل های شرکت های مختلف بهره بگیرند و از آنها به نفع شهر استفاده کنند. سپس، شهرها باید با استفاده از سرمایه گذاری های هدفمند و ارائه خدمات به مشتری از رشد حمایت کرده و به شکوفایی شهرها از این طریق کمک کنند.

شناسایی گروه های رقابتی

شهرهای مختلف نقاط شروع متفاوتی دارند. اما هر کدام از این شهرها در انتخاب اینکه کدام بخشها می توانند از رشد حمایت خوبی داشته باشند باید بهترین تصمیم گیری را بکنند و تمام تمرکز خود را در این راستا بکار گیرند. اگر گروه های شرکتها از یک بخش یا چندین بخش توسعه یابند به احتمال زیاد، رشد اقتصادی قوی تر بوده و پیشرفت شایانی خواهد داشت. مجاورت این خوشه ها به باعث کاهش هزینه های عرضه، و بهبود تحقیق و توسعه می انجامد و به تربیت نیروی کار ماهر و کارآمد در کنار دیگر مزایا نیز کمک می کند.

بنابراین، گام اول شناسایی مزیت های رقابتی یک شهر است. این امر این نکته را باید آشکار کند که خوشه های موجود این پتانسیل را دارند که تقویت شده و یا خوشه های جدید رشد داده شوند. شهرهایی در آمریکای جنوبی مانند آتلانتا، ساوانا و نشویل بخاطر برخورداری از ویژگیهایی از قبیل استعداد، نزدیکی به مراکز نوآوری و آموزش عالی، حمل و نقل خوب و هزینه های پایین در جذب خودروسازان خارجی موفق بوده اند. شهر لندن نیز در تشکیل یک خوشه جدید با فن آوری بالا و با حمایت دولت به شهر فن آوری معروف شده است. بطوریکه ظرف سه سال، در سمت کوچکی از بخش شرقی شهر، تعداد شرکت های دیجیتالی و خلاق در گروه از ۱۱ به ۳۰۰ رسیده است.

سرمایه گذاری برای حمایت از رشد

سرمایه گذاری هدفمند بخش عمومی شاید نیازمند جذب کسب و کار برای شهر باشد. همانطور که شهر نیویورک به خاطر طرح پایدار خود در سال ۲۰۱۱ مطرح شد. "پویایی امروز مردم و سرمایه رقابتی تنگاتنگ بین شهرها بوجود آورده است. ما برای بهترین ایده ها و کارآمدترین نیروی کار با هم رقابت می کنیم. برای رونق اقتصادی، باید شرایطی را مهیا کنیم که کارآفرینان و کسب و کارها بتوانند به طور فعال حضور داشته باشند و فضایی مناسب برای آنها فراهم کنیم". مطابق این طرح، قرار بود تا پایان ۲۰۱۳، تعداد ۴۰۰ هدف در زمینه های مختلفی از قبیل امنیت عمومی، فضای سبز، پویایی و دیگر موضوعات شهری محقق شوند. چنین پیشرفتهایی نیازمند سرمایه گذاری در بخشها و سطوح مختلف است. شهر دبی سرمایه گذاری عظیمی در زیر ساخت های خود انجام داده است تا خودش را به مرکز تجاری و گردشگری بین المللی تبدیل کند بطوریکه امروز این شهر مرکز بزرگترین بندر و مراکز اداری بیش از ۱۲۰ شرکت جهان در لیست Fortune Global ۵۰۰ (لیست Fortune Global ۵۰۰ شرکت ها را بر اساس میزان سود و درآمد رده بندی می کند و بزرگی هر شرکت را مشخص می کند. در حال حاضر، این لیست تبدیل به شاخصی معتبر شده که شرکت های بزرگ با کمک آن قدرت و بزرگی خود را در رقابت با دیگر شرکت ها می سنجند. این شاخص بین المللی کارکردی و رای مرزها، ملیت ها و فرهنگ ها دارد.) می باشد. این نوع فعالیتها سهم ۲۵ درصدی در تولید ناخالص

داخلی سالانه دبی و ۲۰ درصد سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشور امارات متحده عربی داشته اند. در یک مقیاس متفاوت اما هدفمند، ایالت جورجیا در آمریکا ۱۴.۵ میلیون دلار تسهیلات آموزشی برای کارگران شرکت خودروسازی کیا موتورز فراهم کرده است. Chris Cummiskey، کمیساریای دپارتمان توسعه اقتصادی جورجیا، در این زمینه می گوید "افراد ما به کره جنوبی رفتند تا از نحوه مدیریت شرکت کیا موتورز آشنا شوند. سپس ما از روی آن کپی برداری کردیم و مرکز آموزش در محل طرح ریزی کردیم، از بین ۳۰۰۰۰ اپلیکیشن، موارد مورد دلخواه را دسته بندی کردیم و بهترین ها را انتخاب کردیم و بیش از ۱۰۰۰ نفر را در این زمینه آموزش دادیم. در روز اول، شرکت با ۱۰۰ درصد کارایی کار خود را شروع کرد. از آن زمان، ۳۰۰۰ نیروی کار کارمند آموزش داده شدند.

سرمایه گذاری شهر بوگوتا پایتخت و بزرگ ترین شهر کلمبیا برای جذب شرکتهای IT در یک سطح پایین تر اما نه کم اهمیت تر در زمینه کسب و کار بود. آدریانا سووارز (Adrianna Suarez مدیر آژانس سرمایه گذاری شهر می گوید: "کمبود مهارتهای زبان انگلیسی به عنوان مانعی برای بخش IT بود، بنابراین ما با دبیرخانه توسعه اقتصادی برای رفع این مشکل کار کردیم".

تفکر ارائه خدمات به مشتری

شهرها می توانند با برگزاری مذاکرات و گفتگوهای منظم با رهبران صنایع، ارتباطات خارجی با کسب و کارها، سرمایه گذاران و برگزاری نمایشگاهها و کنفرانسهای مختلف به جذب شرکتهای و سازمانهای مورد دلخواه خود کمک کنند. در این بین، شهرداران با توجه به قدرت اجرایی، نفوذ و ارتباطات و مدیریت هیئت های تجاری به مناطق مورد نظر می توانند نقش کلیدی را ایفا کنند. مایک بل (Mike Bell شهردار تولید در شهر اوهایو آمریکا موفق به جذب شرکتهای چینی در این شهر شد با وجود اینکه این شهر در رده ۱۸۲ لیست از دیدگاه مجله Forbes بود. شهردار این شهر از مزایا، توان مالی، نحوه تولید در جریان سه سفر رسمی خود به چین اطلاعات لازم را حصول کرد. جایزه او سرمایه گذاری شرکتهای چینی بالغ بر ۶ میلیون دلار، یک کارخانه جدید فلزکاری برای یک شرکت چینی و وعده سرمایه گذاری بیشتر افزون بر ۲۰۰ میلیون دلار بود.

کلید توسعه اقتصادی موفق پی بردن به این نگرش است که سرمایه گذاران و کسب و کارها مشتریان شهرها هستند و شهرها باید تمام توان خود را برای پر رونق کردن آنها به کار گیرد. با بکار گیری چنین رویکردی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی در شهر بوگوتا تا ۲۷ درصد افزایش یافت. دولت انگلستان دست به تغییرات قانونی زده و با بروزرسانی قوانین تسهیلاتی از قبیل صدور ویزا به شرکتهای کارآفرین توانسته است شرکتهای مختلف را به شهر فن آوری لندن جذب کند.

بعضی از شهرها هنوز معتقدند که راه مهم پیشبرد رشد اقتصادی شهر بجای حمایت از کسب و کارهای کوچک یا تمرکز بر روی جذب شرکتهای جدید، توجه بیشتر به شرکتهای داخلی است که پتانسیل رشد بالا را نشان می دهد. بنیاد Edward Lowe، یک سازمان آمریکایی که در زمینه کارآفرینی فعالیت می کند این امر را یک عامل اغلب نادیده گرفته شده از آنچه توسعه اقتصادی می نامد قلمداد می کند. این کار مستلزم ارتباط دادن شرکتهایی با رشد بالا با آن دسته از شرکتهایی است درباره نحوه توسعه بازارهای جدید یا سامان بخشیدن به مدل های کسب و کار آنها می توانند راهکارهای راهبردی ارائه دهند.

برنامه ریزی برای تغییر

رشد هوشمند به معنای برنامه ریزی برای آنچه که پیش روست می باشد. در دنیا نمونه های زیادی از شهر های مختلف وجود دارد که به سرعت و بدون هیچ برنامه ریزی رشد یافته اند. نتیجه این بی برنامه گی در بهترین حالت بی نظمی و هرج و مرج است. اما این کار اغلب مانع توسعه بیشتر و به کیفیت زندگی شهروندان و همچنین محیط زیست آسیب می رساند. از اینرو، مدیران شهری نیازمند آینده نگری، برنامه ریزی برای رشد و تغییر جمعیت و تاثیر آن بر حمل و نقل، مدارس، بیمارستانها و خیلی از جنبه های دیگر زندگی شهری هستند. آنها همچنین باید این اطمینان را بدهند که برنامه های آنها در طول زمان آداپته می شوند تا متناسب با نیازهای شهر تغییر یابند. کارآمدترین شهر ها چشم انداز منطقه ای را اتخاذ می کنند و فرایند برنامه ریزی را جامع و انعطاف پذیر در نظر می گیرند.

اتخاذ چشم انداز منطقه ای

رهبران شهری خوب به رشد منطقه ای فکر می کنند، نه فقط رشد شهر. چرا که با گسترش کلانشهرها، آنها نیازمند همکاری با شهرداریهای مجاور و تامین کنندگان خدمات منطقه ای هستند. بدون در نظر گرفتن چنین موضوعی، بخاطر نگرانیها در باره اینکه چه کسی برای چه چیزی سرمایه گذاری می کند و چه کسی سود می برد و همچنین سردرگمی بخاطر قوانین و مسئولیت ها، احتمالاً نتیجه منجر به رقابت و کشمکش محلی در رابطه با کمبود یا مازاد سرمایه گذاری در زیرساخت خواهد شد. نمونه این امر، منطقه دلتای رودخانه مروارید در چین (Pearl River Delta) است که پنج فرودگاه بین المللی در شهرهای گوانگژو، شنزن، ماکائو و هنگ کنگ که همه درزمینی به مساحت ۱۰۰ کیلومتر مربع با هم رقابت می کنند. پیامدهایی از قبیل تاخیر در پروازها، هزینه های اضافی سوخت و نگرانیهایی از قبیل امنیت پروازها منجر به دستیابی به توافقی برای همکاریهای بیشتر گردید تا این ایرادها رفع شوند.

مدل برنامه ریزی منطقه ای به حل چنین معضلاتی کمک می کند و به رشد نه تنها خود شهر بلکه کل منطقه کمک می کند. در آلمان شهر برلین توسط ایالت براندنبورگ (Brandenburg) احاطه شده است. تاثیر اجتناب ناپذیر این دوشهر بریکدیگر روابط و همکاری همدیگر را از حالت غیر رسمی به رسمی تغییر داده است. این همکاریها تا حدی بوده است که این دو شهر مسئولین،

دادگاهها، دفاتر اداری، انجمن ها و نمایندگان مشترکی دارند که در زمینه های مختلف با هم هم اندیشی و مشورت می کنند تا بهترین تصمیمات را برای بهبود رشد شهر اتخاذ کنند. به همین نحو، شهر پورتلند (Portland) بزرگترین شهر ایالت اورگان (Oregon) در آمریکا شورای مترو را برای نظارت بر برنامه ریزی منطقه ای تشکیل داده است. شهرها و شهرستانهای واقع در منطقه هر کدام نماینده های در این شورا دارند اما همه آنها اهداف برنامه ریزی منطقه ای را بر اهداف شهر خود ترجیح داده اند تا به این صورت کارایی و قدرت برنامه ریزی منطقه که شامل شهر های خود آنها نیز می شود بیشتر شود.

برنامه ریزی برای یک فرایند جامع و فراگیر

برنامه ریزی شهری نیازمند گفتگو بین بخشهای مختلف است. برنامه ریزی کل به جز، توسط یک مسئول منطقه ای یا کلانشهری از راه دور، نمی تواند به تنهایی نگرانی های محلی را به طور مناسب از بین ببرد، درحالیکه رویکرد جز به کل که توسط بخشهای کوچک مدیریت می شود خطر دوگانگی و هم پوشانی غیر ضروری، بویژه در حمل و نقل و خدمات رفاهی را به همراه دارد. از اینرو، رشد هوشمند فرایند برنامه ریزی را که توسط برنامه ریزان کاردان و ماهر مدیریت شهری انجام می گیرد تضمین می کند.

انعطاف پذیر بودن

شهرها به طور فزاینده برنامه های شهری انعطاف پذیری را اتخاذ می کنند که به عنوان چارچوبی برای اجرای پروژه های پیشنهادی در سطح محلی عمل می کنند. این برنامه ها به مثابه مجموعه ای از اصول راهنما برای کمک به برنامه ریزان در جهت ارزیابی پروژه های پیشنهادی جدید هستند. در نتیجه، آنها در کنار تغییر نیازهای شهر تکامل می یابند و این اطمینان را می دهند که شهر در حرکت به سمت اهداف بلند مدت در حال پیشرفت است.

این نوع انعطاف پذیری به مهارت قابل توجهی نیاز دارد و شهرهایی که در برنامه ریزی شهری پیشرفته هستند دپارتمانهای برنامه ریزی چند زمینه ای دارند. بخش برنامه ریزی سن فرانسیسکو در این مسیر انعطاف پذیر حرکت می کند. این دپارتمان با بهره مندی از ۱۰۰ نیروی کار ماهر در زمینه هایی از قبیل برنامه ریزی شهری، اقتصاد و حمل و نقل از برنامه موثر و کارآمدی مبتنی بر اصول ارتقاء چشم انداز شهر در جهت حفاظت و تقویت از ارزشهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی بهبود می بخشد تبعیت می کند. با این وجود، این برنامه ریزی کاربردهای دقیق طرح های خاص را معین نمی کند. بلکه، پروژه های پیشنهادی مورد به مورد با این اصول ارزیابی و سنجیده می شوند تا تمامی جوانب برای عملی کردن آنها در نظر گرفته شوند.

تلفیق تفکر زیست محیطی

روشی که مدیران شهری محیط زیست را با تصمیم گیری های مربوط به مباحث اقتصادی تلفیق می کنند از اهمیت خاصی برای رشد هوشمند برخوردار است. شهر ها ۷۰ درصد گازهای گلخانه ای را درجهان انتشار می دهند که عمدتاً ناشی از مصرف انرژی در ساختمانها و حمل و نقل می باشد. این حجم از تولید خسارت سنگینی به محیط زیست محلی و همچنین جهانی وارد می کند. مثلاً، تراکم ترافیک هزینه های کسب و کارها را زیاد می کند و در کنار آن، آلودگی هوای ناشی از آن سلامت شهروندان را به مخاطره می اندازد. با در نظر گرفتن کمبود منابع، عدم توجه به پایداری چشم انداز رشد بلند مدت را نیز تهدید می کند.

برنامه ریزی و ایجاد زیرساخت سبز

بر اساس تحقیقات موسسه جهانی مکنزی MGI، توجه به روند کنونی و رو به رشد شهر نشینی در شهرهای جهان، نیاز به زیرساختهای شهری بیش از پیش احساس می شود. برای مثال، شهرهای هند باید فضاهای شهری خود را برابرکل فضاهای مسکونی و تجاری شهر شیکاگو ایجاد کنند. شهرهای چین ۲.۵ برابر این رقم را باید اضافه کنند. از اینرو، رشد پایدار به سرمایه گذاری در زیرساخت هایی بستگی دارد که منجر به کاهش انتشارکربن، تولید پسماند و استفاده از آب شود.

در واقع، روشی که ما شهرهایمان را بر اساس آن می سازیم و یا بازسازی می کنیم پایداری زیست بومی آنها را برای دهه های آینده تعیین می کند. بهبود زیر ساختهای کنونی، ساخت فضاهای سبز، و بیشترین استفاده از کمترین منابع با ساخت جوامع با تراکم جمعیتی بالا در این امر می تواند کمک کند. علاوه بر این، زیر ساختهای موجود نیز می توانند بهبود یابند. اکثر شهرها فرصتهایی برای کاهش تاثیر زیست محیطی زیر ساخت های کنونی را دارند و با استفاده از فن آوریهای جدید و سیستم های خودکار درصددند آنها را بهبود بخشند.

اغلب شهرها در پی رفع تراکم ترافیک و مشکلات مربوط به آلودگی هوای منطقه خود از طریق ایجاد مسیرهای جاده ای فقط برای اتوبوسها هستند. استانبول، که در ساخت سیستم متروی خود با تاخیر مواجه شده بود، چیزی در حدود ۴۲ کیلومتر جاده های کنونی خود را به مسیر اتوبوسهای تندرو اختصاص داد. اتوبوسها در این سیستم جدید مسیر اختصاصی را تقریباً دو برابر سرعت ماشینها طی می کنند و در فواصل زمانی ۲۰-۴۵ ثانیه می رسند و به ۶۲۰۰۰۰ مسافر در روز خدمات ارائه می دهند. بوگوتا، دهلی و پیتزبورگ در بین شهر های هستند که سیستم حمل و نقل تند رو را در طی دو دهه اخیر معرفی کرده اند.

بنابراین چنین به نظر می آید که تا زمانی که مفهوم "ساخت شهر خوب" در تمامی ابعاد و جوانب تفسیر نشود؛ تا زمانی که تفسیر ما از شهر خوب تنها این باشد که باید بسازیم اما ندانیم که چگونه بسازیم، هیچ شهر خوبی ساخته نخواهد شد و این کار بدست نمی آید مگر با شناخت اصولی نیازهای شهر، ارائه برنامه ها و در کنار آن آموزشهای لازم در جهت رفع آنها. در جهت نیل به این هدف غایی، شهر به همت والای شهروندان و مشارکت آنها در کنار برنامه های آینده نگرانه مدیران شهری ساخته می

شود. در مجموع، عملکرد یک شهر باید به گونه ای باشد که شاخص های اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی آن شهرپاسخگوی نیازهای شهروندان باشد.

منابع:

<https://www.mckinsey.com/featured-insights/urbanization/how-to-make-a-city-great>

<https://www.theguardian.com/cities/how-build-city-step-by-step-diy-guide>

مهراب محرابی نیا